

۱۳۵۸ ۳ ۵

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

روز چهارشنبه

نامه سرگشته علی از دانشگاه تربیت معلم به رهبری و علمین و پیرا انقلاب مکتوبه

برادر چینی و برادر طالقانی سلام! خدا عمر خود را از یاد کند تا این انقلاب را به نفع برساند

ای رعایای همه دلتزان این انقلاب است! در این نامه در صدد آنم که درد دلم، دلشورایم و

پیشداداتم همچون بنهاد یک شاگرد به یک معلم به گوش شما برسانم: و از خدا آرزو دارم اگر

آنها را مانند فرسود موقم بهار در

*

در طی این چند ماه که قد این مملکت مای فزاید سافه گردد

بهتر از من می دانند که احتیاج به دقت و مواظبت زیادی دارد که عوامل

آینده با شکر، افرادی که آگاه و خرد آگاه و استغنی های اشرافی

طالقانی، منفعت طلبی، لاف طلبی، دست منصری دارند و ترسو و محافظه کار

و کورسنگ و بی اختیار هستند. مجاری و منهد های خواسته و نخواستۀ موجود

کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

بیاورند که باز از آن مجاری بیو در حقوق واقعی مردم را با پمال نمود و بدین

قدانتی بوجود آمد آنرا توجیه نمود. مسئولیت ای مردم و منلهای آئین

ای سرزمینی و سرزمین های دیگر به عمر آنها می است که در راسی هستند و کاری از

آنها سافه است. مردم محرومی که به سدلین اسرا اعتماد کرده و حاضرند

دای از آن روزی که سرور است آنها باز بجهت صفات و فصولت های ضد انقلابی

مخفی و علی آگاهی نبود که در کوره انقلابی خوب سافه شده و در عین حال تا نزدیک

رئیس انقلاب
ستاد ~~...~~ نفوذ نموده اند *

پیش از ۹۰ درصد مردم واضح است که روحانیدان بسیار وعده ای اقرار

صادق نگرفتند که با دقت و در این زمان مراد طب فاکس و مارکس و کامیون

زبان ما هستند . ولی دیدیم ما وجود اینکه حضرت پیغمبر صلی فرات که بعد از فر

حضرت علی خلافت کند و در این راه تلاش سرد و لی این به تحقق نپیوست

چرا این اشراکیت و قومیت و برتری جری اگر من این اطمینان صحیح کاملاً ظاهر سرد و لی بر

و اما این ارزش های شیطان یا شاهی در این اطمینان شما نیست چرا بنام؟ در کتبی

که تا چند ماه قبل در طی فرها سردت سردت بر دست افرادی از قبیل محمد رضا و پدرش بوده است
آنکه شیطان بزرگ خارجی خارج شده - شیطان های کوچک در وجود افراد هنوز کاملاً از بین نرفته است
و حال این افراد مخالف حکومتی علی بن ابی طالب ما تا چه اندازه در سرگروه شده انقلاب

نفوذ دارند نمی دانم به حال همه ما همه موافقم که در اینجا دو تا چشم داریم چه تا دیگر هم فرض کنیم

در اصل انقلاب چون ما شیم ، که ضد انقلابین انقلاب ما را در خود هم بکنند بلکه انقلاب
آنها را هم بکنند .

می ترسم الان بخاطر سرکس از اهلین که قبلاً موافقی وضع گردد که فردا اگر یک دولت

می خافد کار و عهد انقلابی روی کار آمد آنرا در سطح کشور هموست دهد

می رسم باز به بهانه اینکه در اسلام مالکیت خصوصی وجود دارد . فردا افراد
 تجا و زگرد افزون طلب که نصایح قرآن و روحانیت و مردم بر روی آنها ماسترسند
 یا از ظلم خود فراتر گذاشته می آید و سرز مالکیت خصوصی فردا شناسند ما
 ناریه انکارند و به مالکیت دیگران تجاوز کنند

می رسم که باز فردا ای کارمندان دولت که محاسن آنها از طرف دولت تأسیس می شود
 باز ضللی نگاه از اینها صاحب زمینهای زیاد می نام باشند . عده ای بنظر و نظری صاحب
 دوره نقل - مثلا علی ، گ و زری و کانی - چه بسیارند الان روسی دادگاه های - معلومی -
 روسای دانشگاهی و ... که صاحب دهها هکتار زمین هستند . صاحب زمین و به همکاران هم
 نمی توانند بخوبی برسند . چه خوب است محتاجی وضع شود که کارمندان دولت فوق آفر حق ندارند
 بیش از دو جریب زمین داشته باشند (برای سبزی کاری) - و هکتار تجار اینهای فاضله
 کاسبی کنند یا ک و زری ؟ . امیدوارم که روزی تمام اعیان اسلام زنگردد و در گذشته
 به سیاسی ، اقماعی ، انسان دوستی ، نظیر فراهی

الان به اقماعی اسلام آنقدر که در اسلام هست ندیده نمی شود . نمازهای جامعیت
 تقریباً به همان شکل قدیم برگرداند می شود و در آنجا مسائل اقماعی مطرح نمی شود و پیش نمازها

به این مسائل توجه ای ندارند. چند روز پیش به محله از شهری (چاله ملس) آفتاب ^{وایز} ()

وضع ~~وجود~~ برای پاک نری. جوی ها کثیف و لجنی بود. و مردم این امر را دلیل بر عدم اتحاد

و همکاری دانستند. به نمازهای چه توجهی نمی شود. در صورتیکه اگر حداقل در ماهی

ای نمازهای چه دورتره برگزار می شد. استفا ده های زیادی می شد بدو ~~دین~~ و کتور

دلت در مردم انجام داد. مقامهای دولتی را می شد در ای جالی سوت. بر علیه استفا

و استنطاق مردم از آنها. و فرانس گزاران کار از آنها - و برای در همنگی مردم و مانوس

شدن که ~~بسیار~~ از من دایره چقدر کمک می کند. در بعضی از شهرها که مثل شهر فردوس

تا کیه مثل که آنجا بودم ~~بسیار~~ افرادی که می آمدند نماز جماعت از بیست نفر تجاوز نمی کرد

در (شهر ماک) ، ولی الان نمی دانم. با بوده درباره نماز جماعت وجه تصمیمی نگرفته

به بعد ان بی اطلاع هم کوفه نمی شد و ~~بسیار~~ این شعار علی که می طلیم شدن به یک زن سپرد.

را نمی تواند محک کند. در جامعه کثیفی ما به وضوح به چشم نمی خورد.

به امید روزی که هلی با هم در چهاردهم ~~گامهای~~ طریقی برداشتم در چهاردهم

با هم (کسیتهای نمی شود) ~~گامهای~~ طریقی برداریم. و در حد عید آوری بکنیم تا بتوانیم



مردم ^{بسیار} چهاردهم انقلاب فرود کرده سزید آنها را ضیاء ^{بسیار} شای شهر ماکلی

سال دوم مسافره در اهملی

دانشگاه تربیت معلم (دانشسرای کابل سابق)